

بررسی تحولات حقوق کودکان و نوجوانان بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی^۱ در پرتو قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

محمد مهدی ساقیان*

مجید صادق نژاد**

مریم ملائی***

چکیده

کودکان و نوجوانان بزه دیده در فرآیند کیفری افراد آسیب پذیری محسوب می گردند که حمایت از آنها باید در همه مرحله های فرآیند کیفری مورد توجه کارگزاران عدالت کیفری باشد. در چند دهه ی اخیر سیاست گذاران جنایی به منظور عادلانه و اثر بخش کردن تدابیر و اقدام های حمایتی نظام ویژه ای را جهت رعایت منافع این دسته از بزه دیدگان پی ریزی کرده اند. در گستره سیاست جنایی ایران نیز برخی تدابیر ویژه ماهوی و شکلی با الهام از معاهدات بین المللی و مطالعات حقوق تطبیقی، در راستای حقوق بزه دیدگان پیش بینی شده است. در ابتدای مرحله فرآیند کیفری دسترسی آسان بزه دیده به نهادهای عدالت کیفری، رفتار کرامت مدار با او، مطلع نمودن وی از حقوق خود، از مهم ترین نوآوری ها به شمار می رود. با توجه به اینکه، کودکان بزه دیده با طرح شکایت و اعلام جرم به مقامات در به حرکت در آوردن چرخ های عدالت کیفری نقش ویژه ای دارند، بنابراین رعایت حقوق آنها در تمامی مراحل عدالت کیفری از قبیل، حق مشارکت کودک در طول فرآیند رسیدگی، تأمین امنیت، همراهی حامی و وکیل، جبران خسارت، اطلاع رسانی، توانمندسازی و در مشارکت فعال کودکان و نوجوانان بزه دیده در عدالت کیفری نقش اساسی دارد.

قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همگام با سایر تحولات کشورهای دیگر، بدون این- که مقررات ویژه ای در خصوص اطفال بزه دیده پیش بینی نماید، سعی نموده است حمایت از حقوق بزه دیدگان و مشارکت فعال آنان در فرآیند کیفری را ارتقا بخشد. در این نوشتار، این تحولات در مرحله تحقیقات مقدماتی و چگونگی تأثیر پذیری آنها از اسناد بین المللی و مطالعات حقوق تطبیقی، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. در این مقاله اصطلاح تحقیقات مقدماتی بر معنای وسیع آن بکار رفته و بنابراین شامل مراحل کشف جرم، تعقیب و تحقیق میگردد.

*استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

**استادیار، دانشکده حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

***دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل کیش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۸

نویسنده عهده دار مکاتبات: msaghian@ut.ac.ir

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، کودک بزه‌دیده، فرآیند کیفری، دادرسی ویژه، نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری.

مقدمه

مرحله پیش از دادرسی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل رسیدگی فرآیند کیفری برای کودکان بزه‌دیده محسوب می‌شود. این مرحله که شامل مرحله کشف بزه‌کاری، تعقیب متهمان و تحقیق مقدماتی پیرامون بزه ارتكابی انجام می‌پذیرد، در شکل‌گیری نحوه نگرش کودک به نهادهایی که نقش حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان را به‌عهده دارند، تأثیر بسزایی دارد. زیرا اولین مواجهه و برخورد کودک بزه‌دیده با نظام عدالت کیفری در همین مرحله صورت می‌گیرد.

کارگزاران عدالت کیفری کودکان و نوجوانان باید برای تضمین حضور کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در حضور خود در فرآیند عدالت کیفری، حمایت‌های ویژه‌ای را پیش‌بینی نمایند، زیرا در غیر این‌صورت به مشکلات زیادی از قبیل کاهش موارد گزارش جرم، و در نتیجه بالا رفتن رقم سیاه موارد گزارش نشده جرایم علیه کودکان می‌انجامد. در پرونده‌های مربوط به کودک آزاری، عدم اعلام جرم توسط ولی یا قیم یا اعضای خانواده کودک می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را به وی وارد سازد و از این‌رو، ترغیب و تشویق بزه‌دیدگان برای اعلام بزه‌دیدگی، به‌عنوان جلوه‌های حمایت از کودکان بزه‌دیده در مرحله کشف جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

بدین ترتیب، در هنگام ورود کودک بزه‌دیده به فرآیند کیفری، لازم است حق مطلع شدن وی از حقوق خود، به رسمیت شناخته شود و وی از حقوق خود در فرآیند پیش‌رو مطلع شود. علاوه بر حق اطلاع رسانی، حق کودک بر رفتار کرامت‌مدار با وی، حق مساعدت و معاضدت، حق برخورداری از سایر تدابیر ویژه حمایتی و حق دسترسی آسان به عدالت کیفری باید مورد توجه قرار گیرد.

بررسی قوانین ایران بویژه قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که قانون‌گذار برای کودکان بزه‌دیده به عنوان افرادی که نیازمند توجه و حمایت بیشتر نسبت به بزرگسالان و اعمال شیوه‌های دادرسی افتراقی می‌باشند، مقررات ویژه‌ای را پیش‌بینی ننموده است.

در لایحه جدید حمایت از کودکان و نوجوانان^۱، رویکرد حمایتی ویژه و متفاوتی از بزرگسالان برای این دسته از بزه‌دیدگان در نظر گرفته شده و نقش فعالی برای آنها در فرآیند کیفری قائل شده است. حق شرکت در فرآیند کیفری، حق اعلام جرم و امکان تصمیم‌گیری راجع به مسائل مربوطه از جمله این حقوق است. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز تحولات مثبتی را در خصوص حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و امکان

مشارکت فعال آنها در فرآیند کیفری پیش‌بینی نموده است، که در این قسمت به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

الف- حقوق کودکان بزه‌دیده در مرحله کشف جرم

فرآیند دادرسی در مفهوم وسیع از زمانی که شاکی مبادرت به طرح شکایت می‌نماید و یا جرمی توسط مراجع مسئول کشف می‌شود، آغاز می‌گردد و تا زمان صدور حکم و اجرای آن ادامه می‌یابد. این فرآیند در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به مراحل کشف جرم؛ تعقیب متهم؛ و تحقیقات مقدماتی؛ میانجی‌گری؛ صلح میان طرفین؛ نحوه رسیدگی؛ صدور رأی؛ طرق اعتراض به آراء؛ اجرای آراء؛ تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه تفکیک شده است.

درواقع، مرحله کشف جرم مدت‌ها جزء فرآیند کیفری محسوب نمی‌گردید، زیرا متهم و بزه‌دیده در این مرحله از حقوق دفاعی^۲ بی‌بهره بوده و پلیس و مقامات دادسرا کنش‌گران اصلی این مرحله محسوب می‌شدند از چند سال پیش به این سو، تحت تأثیر اسناد بین‌المللی حقوق بشری و افزایش مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، متهم و بزه‌دیده به تدریج در این مرحله، از حقوق قابل توجهی برخوردار گردیدند. تکلیف ضابطان به مطلع نمودن بزه‌دیده از حقوق خود، رفتار کرامت مدار با وی، حق برخورداری از وکیل و معاضدت‌ها حقوقی، حق بر امنیت بزه‌دیده، و ... باعث گردیده که بزه‌دیده نیز از اصلی‌ترین کنشگران شخصیت اصلی این مرحله محسوب شود. هم‌چنین با توجه به افزایش حقوق متهم در این مرحله از این‌پس می‌توان مرحله کشف جرم (ضابطان دادگستری)، را جزء لاینفک فرآیند کیفری محسوب نمود. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در یک تحول قابل ملاحظه، پاره‌ای از حقوق را برای بزه‌دیدگان (اطفال و بزرگسالان) در مرحله کشف جرم پیش‌بینی نموده است که در این بند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- گزارش دهی جرایم علیه کودکان و نوجوانان

گزارش بزه‌دیدگی در خصوص کودکان و نوجوانان از حساسیت بالایی برخوردار است، زیرا این دسته، بواسطه صدمه‌های مادی، معنوی و عاطفی، در موارد بسیاری ناتوان از اعلام وقوع جرم می‌باشند. هم‌چنین بسیاری از کودک آزاری‌ها در محیط خانه و یا توسط نهادهای مراقبت از کودکان صورت می‌گیرد و بنابراین کسانی که باید حامی کودک باشند، وی را مورد آزار قرار داده و در نتیجه مانع از آن می‌شوند که مقامات ذیربط از این موضوع آگاه گردند.

کودکان بزه‌دیده ممکن است بنا به برخی دلایل تمایلی به شکایت و تعقیب کیفری مرتکب نداشته باشند، بویژه در مواردی که سوءاستفاده و خشونت از طرف یکی از اعضای خانواده صورت می‌گیرد تا حد زیادی تمایلی به پی‌گیری موضوع نداشته و حاضر به شکایت نیستند (معماری، ۱۳۸۵: ۶۹). از جمله دلایل عدم اعلام جرم، بی‌اعتمادی بزه‌دیدگان نسبت به کارآیی پلیس می‌باشد، به این معنا که پلیس نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به آنها کمک کرده و مرتکب جرم را دستگیر کند. در این شرایط بزه‌دیده به دلیل نداشتن تأمین جانی و ترس از انتقام‌جویی مرتکب، از شکایت صرف‌نظر می‌کند.

افزون بر آن در بسیاری از موارد، این دسته از بزه‌دیدگان به سن تمیز نرسیده و از حقوق خود مبنی بر اعلام جرم یا طرح شکایت علیه مرتکبان بزه‌کاری آگاه نمی‌باشند. برخی از این قربانیان، برغم آگاهی از حق طرح شکایت بواسطه دلالتی از جمله ترس از والدین، ترس از تهدید و انتقام، ترس از تکرار عمل توسط والدین، بی‌توجهی نظام عدالت کیفری به پاسخ متناسب به بزه‌کار حاضر به شکایت نیستند.

۱-۱- تکلیف به گزارش دهی

در عرصه حقوق کیفری ایران، اصل بر عدم تکلیف قانونی افراد به گزارش دهی جرائمی که از وقوع آن مطلع گردیده یا شاهد ارتکاب آن بوده‌اند می‌باشد، مگر در موارد خاصی که قانون پیش‌بینی نموده است. به عنوان مثال ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی برخی مأمورین دولتی را مکلف به اعلام وقوع برخی جرائم نموده است.^۳ ولی با وجود عدم الزام افراد به گزارش جرم، نویسندگان قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۶۵^۴ و ۶۶^۵ و ۶۷^۶، با در نظر گرفتن برخی شرایط در راستای ترتیب اثر دادن به اعلانات و گزارش اشخاص ثالث از وقوع جرم برآمده‌اند.

هم‌چنین قانون‌گذار در مورد کودک آزاری در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ تمامی افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف نموده است به محض مشاهده موارد کودک-آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. مقنن در این ماده راهکارهایی را جهت اطلاع از کودک‌آزاری پیش‌بینی نموده است که استفاده از این راه‌کارها زمانی اهمیت بیشتری خواهد یافت، که اولیاء طفل تمایل به طرح شکایت یا پیگیری آن نداشته و به این دلیل سعی در پنهان کاری یا عدم گزارش نمایند.

۲- اقدامات حمایتی ناظر به امنیت کودکان و نوجوانان

تهدید بزه‌دیدگان بویژه اطفال بزه‌دیده و عدم راهکارهای حمایتی مناسب از آنها باعث می‌شود تا بزه‌دیده از اعلام جرم امتناع ورزیده و در نتیجه اجرای عدالت با مشکل مواجه

گردد. بنابراین صیانت از عدالت بعنوان یکی از مبانی حمایت از اطفال بزه دیده ایجاب می کند تا آنها تحت حمایت قرار گیرند. این حمایت در وهله اول باید در ابتدای فرآیند کیفری و توسط ضابطان دادگستری بعمل آید. در چنین بستری است که ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود، و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده، توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می کند ممنوع است.» بی گمان، افشای اطلاعات ممکن است منجر به اخلال در فرآیند دادرسی از طریق تهدید بزه دیده گردد. به نظر می رسد یکی از تضمینات عدم افشای هویت بزه دیده، جرم انگاری افشای هویت بزه دیده است که تلاش متهم برای شناسایی هویت و نشانی آنها به منظور اعمال فشار به بزه دیدگان، امنیت آنها را به خطر می اندازد.^۷ بدین ترتیب، برنامه های حمایت از بزه دیدگان به منظور جلوگیری از تأثیر تهدید آنها و امتناع از شکایت علیه مرتکب ضرورت دارد. اعلام جرم توسط بزه دیده باعث می شود که نهایتاً عدالت کیفری بتواند با کمک شکایت بزه دیده اجرا گردد در غیر این صورت، با سکوت بزه دیده، عدالت کیفری محقق نخواهد شد.

۳- ساده نمودن شرایط طرح شکایت توسط کودکان و نوجوانان

در اکثر نظام های حقوقی مهمترین منبع شروع به رسیدگی، شکایت بزه دیده (شاکی) است. بزه دیده، نقش مهمی در شروع فرآیند عدالت کیفری دارد و در بسیاری از موارد نقش بزه دیده با این واقعیت همراه است که اغلب جرائم در پی گزارش بزه دیدگان به اطلاع پلیس می رسد و در نتیجه، بدون مشارکت بزه دیده چرخ های عدالت کیفری از حرکت باز می ایستد (رایبجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

حق دسترسی شاکی به عدالت کیفری، در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. برابر ماده مذکور: «هر کس حق دارد تا به دادخواهی او در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف، به شکل منصفانه رسیدگی شود...». در حقوق داخلی، اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص پیش بینی حق مذکور تصریح می نماید: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد».

شکایت شاکی در بند الف ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز به عنوان یکی از جهات شروع به رسیدگی شمرده شده است. هم چنین در این چارچوب است که ماده ۳۷ همین قانون ضابطان را پس از دریافت شکایت کتبی یا شفاهی، مکلف به شروع به رسیدگی نموده است و برای طرح شکایت، شرایط خاص و پیچیده ای را در نظر نگرفته است. بدین ترتیب، ملاحظه می شود قانونگذار به منظور تشویق بزه دیدگان، طرح شکایت شفاهی را نیز

مورد پذیرش قرار داده است. هم‌چنین مطابق ماده ۶۹ همان قانون، شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است و قاضی دادگاه نمی‌تواند از انجام آن خودداری کند.

البته مقام تعقیب در زمان ارجاع شکایت و مقام تحقیق در هنگام بررسی آن باید مسئله اهمیت بزه‌دیده را احراز نماید. این امر در جرم‌های گذشت پذیر که تعقیب کیفری مستلزم طرح شکایت از سوی قربانی جرم است، اهمیت می‌یابد بدین‌سان در این موارد، چون کودک اهلیت طرح شکایت را به تنهایی ندارد و در غالب موارد جرائم علیه کودکان و نوجوانان توسط نزدیکان یا اولیا کودک صورت می‌گیرد (شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۹)، بنابراین در این مواقع عدم اعلام جرم توسط این افراد موجب پنهان ماندن این جرائم از دستگاه عدالت کیفری شده و بزه‌دیدگی ثانویه این دسته از کودکان و افزایش رقم سیاه بسیاری از جرایم علیه آنان را به دنبال دارد.

ماده ۷۰ قانون مذکور ۱۳۹۲، برای رفع این مشکل و حمایت از کودک بزه‌دید، مداخله مقام قضایی در این موارد را ضروری دانسته است. بر طبق این ماده: «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارند و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور می‌شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و هم‌چنین در صورتیکه ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد دادستان شخصی را بعنوان قیم موقت تعیین می‌کند و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم بعمل می‌آورد این حکم در مواردی که بزه‌دیده ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است».

۴- حق آگاه‌سازی کودکان بزه‌دیده از حقوق خود

اطلاع‌رسانی به قربانیان جرم درباره نقش و مشارکت آنها در فرآیند رسیدگی، مدت و روند رسیدگی‌ها و وضعیت پیشرفت پرونده، چگونگی جبران خسارت و شیوه‌های آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطلع نمودن کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، ممکن است به حقوق انسانی - اخلاقی بزه‌دیدگان مربوط باشد. بعنوان مثال در زمینه حق بهره‌مندی از رفتار کرامت‌مدار، حق رعایت اسرار بزه‌دیدگان درباره مسائل و مشکلات آنان، و حق داشتن احساس امنیت، باید به موقع این دسته را آگاه ساخت. هم‌چنین بزه‌دیدگان حق دارند که در سریع‌ترین زمان از خدمات و شیوه‌های موجود جبران آثار بزه‌دیدگی در طول فرآیند کیفری آگاه شوند. این آگاه‌سازی درباره کودکان و نوجوانان بزه‌دیده اهمیت بیشتری می‌یابد، چه - اینکه باید با شرایط ویژه آنان سازگار باشد. بدین ترتیب آگاه‌سازی این دسته از خدمات و راه‌های موجود جبران آثار بزه‌دیدگی باید به سرپرست یا نماینده قانونی او اعلام شود. مطلع نمودن بزه‌دیدگان می‌تواند از طریق روش‌هایی مانند انتشار جزوه، پوستر، بروشور یا به کمک شبکه‌های رایانه‌ای در اختیار آنان قرار گیرد. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در

راستای آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از حق‌های خود گام‌های مثبتی را برداشته است. نخست ماده ۶ این قانون به‌عنوان یک اصل راهبر مطلع نمودن بزه‌دیده از حقوق خود در سراسر فرآیند کیفری و پیش‌بینی سازوکارهای لازم در این خصوص را پیش‌بینی نموده است. هم‌چنین در مرحله کشف جرم، ضابطان دادگستری وظائف و تکالیف مهمی در خصوص آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از حقوق خود برعهده دارند.

کودکان و نوجوانان بزه‌دیده به محض اولین تماس با ضابطین دادگستری باید نسبت به تمامی حق‌های خود در ابتدای فرآیند کیفری آگاه گردیده و این آگاه‌سازی از مهمترین مأموریت‌های ضابطین دادگستری نسبت به این دسته از بزه‌دیدگان می‌باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در جهت لزوم آگاه‌سازی بزه‌دیده نسبت به حقوق خود در فرآیند کیفری گام‌های بلندی را برداشته است. به‌موجب ماده ۳۸ این قانون ضابطان دادگستری مکلف شده‌اند، شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند. هم‌چنین ماده ۶ این قانون مقرر می‌دارد، «متهم، بزه‌دیده شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». بدین ترتیب آگاه‌سازی از حقوق بنیادی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده است که از سوی قانونگذار ایران به رسمیت شناخته شده است.

ب- حقوق کودکان بزه‌دیده در مرحله تعقیب

تعقیب کیفری از حساس‌ترین مراحل فرآیند کیفری است و در وهله نخست نماینده جامعه را مکلف به تعقیب امر کیفری علیه مرتکب جرم می‌سازد. مرحله تعقیب پس از مرحله کشف جرم، به‌عنوان اولین مرحله ورود کودک به نظام عدالت کیفری یکی از مباحث حائز اهمیت در حقوق کیفری و جرم‌شناسی محسوب می‌شود. این مرحله که بنیان‌های آراء کیفری در آن پی‌ریزی می‌شود، در سرنوشت پرونده کیفری تأثیر بسزایی خواهد داشت (نیازپور، ۱۳۸۸: ۳۴۸). در خصوص تعقیب کیفری دو نظام «قانونی بودن تعقیب» و «موقعیت داشتن تعقیب» قابل بحث است. در نظام قانونی بودن تعقیب، بزه‌دیدگان در شروع تعقیب دعوای عمومی با طرح شکایت، نقش اساسی در آغاز فرآیند کیفری داشته و دادستان را ملزم به تعقیب دعوی عمومی و گردآوری دلیل جهت اثبات دعوی کیفری، می‌نماید. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این خصوص، یکی از جهات قانونی شروع به تعقیب را شکایت شاکی یا مدعی خصوصی دانسته است (بند الف ماده ۶۴). اما در نظام موقعیت داشتن تعقیب، کارکرد نهاد تعقیب متحول شده و نقش بزه‌دیده در مرتبه اول اهمیت قرار می‌گیرد و دادسرا می‌تواند با توجه به شرایط متهمان و بزه‌دیدگان و ماهیت رفتارهای مجرمانه، بجای تعقیب کیفری بزه‌کار از یک پاسخ‌باز پروانه ویا ترمیمی استفاده نماید. بدین ترتیب، در این

نظام عدالت ترمیمی و عدالت سازشی تا حدودی جایگزین عدالت تنبیهی شده و توجه به رنج‌ها و دردهای بزه‌دیده و دغدغه جبران آنها وظیفه اصلی دادسرا به‌شمار می‌رود.

۱- نقش دادستان در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در نظام قانونی بودن تعقیب

در نظام قانونی بودن تعقیب، دعوی عمومی ناشی از جرم یعنی تعقیب کیفری بزه‌کاران به‌عهده دادستان است. در اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت بخصوصی است دادستان دعوی کیفری را تعقیب می‌کند، اعم از این که شاکی خصوصی آن را درخواست کرده و یا نکرده باشد ولی در جرایمی که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوص نیست، دادستان حق ندارد دعوی کیفری را تحت تعقیب قرار دهد، مگر این که متضرر از جرم آن را بخواهد (نیازپور، ۱۳۸۸: ۶۹).

در جرائم علیه کودکان و نوجوانان نیز دادستان یکی از طرفین دعوی کیفری می‌باشد و در مقام مدعی با صدور کیفرخواست و با طرح دعوا علیه متهم، مصمم است او را به محاکمه کشانده و در نهایت محکومیت کیفری متهم را به‌عنوان مهم‌ترین هدف در مرحله دادرسی دنبال کند. مطابق ماده ۲۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند. در جرایم علیه کودکان و نوجوانان، برای حمایت هرچه بیشتر از حقوق آنها و ممانعت از بزه‌دیدگی ثانویه ضروری است، دادستان یا نماینده قانونی او برای دفاع از کیفرخواست صادره در دادگاه حضور پیدا کرده تا وظیفه مهم حضور دادستان در دادگاه، جنبه تشریفاتی به خود نگیرد.

مطالب مورد بحث در این گفتار در خصوص وظایف دادستان در زمینه حمایت از کودکان بزه‌دیده به دو بند تقسیم می‌شود. در بند اول، این موضوع که آیا دادستان پس از مطلع شدن از وقوع جرایم علیه کودکان ملزم به تعقیب است؟ و یا براساس قاعده موقعیت داشتن تعقیب دادستان می‌تواند در صورتی که اقامه دعوا علیه متهم را مفید تشخیص ندهد از ضمانت اجرای دیگری برای پاسخ به جرم بهره گیرد؟ در بند دوم به بررسی سازوکارهایی که دادستان برای تأمین امنیت کودک به‌کار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

۱-۱- نقش دادستان در شروع به تعقیب جرایم علیه کودکان و نوجوانان

به منظور مبارزه مؤثر با جرائم علیه کودکان و نوجوانان، یکی از راه‌کارهای اساسی، پیش‌بینی این جرائم در قالب جرائم گذشت‌ناپذیر می‌باشد. به‌موجب ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک آزاری از جرائم غیرقابل گذشت تلقی می‌گردد. حکم مندرج در ماده مذکور، بیانگر اصل الزامی بودن یا قانونی بودن تعقیب می‌باشد. در کتا ر این مقررات،

باید اصل را بر تعقیب کلیه جرم‌های ارتکاب یافته بویژه علیه این دسته دانست و بر این اساس سامانه عدالت کیفری باید در راستای تعقیب متهمین این جرمها گام بردارد. در حقوق ایران، اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب به روشنی در ماده ۷۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۰۷ منعکس شده بود. در عین حال بند « الف » ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز با بیان اینکه دادسرا عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق‌اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود الهی است، از اصل قانونی بودن تعقیب الهام گرفته و تکلیف دادسرا را مشخص کرده بود. اگرچه با توجه به ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، می‌توان در صورت عدم گزارش جرم از جانب کودک یا عدم اعلام شکایت از جانب والدین یا قیم او، الزام مقام تعقیب به پی‌گیری را استنباط کرد، اما قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای حمایت این دسته از بزه‌دیدگان اختیارات مهمی را برای دادستان در نظر گرفته است. با توجه به ماده ۷۱ این قانون « در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند... در این صورت موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است».

۱-۲- تدابیر دادستان برای خارج کردن کودکان و نوجوانان بزه‌دیده از شرایط مخاطره آمیز

در مواردی که خطر شدید و قریب‌الوقوعی این دسته را تهدید می‌کند و یا کودک در معرض خطر ارتکاب جرم قرار می‌گیرد و یا به علت استمرار جرم ارتكابی احتمال ایراد صدمات جبران ناپذیری برای وی وجود دارد، باید تدابیری اندیشیده شود تا کودک از محیط خطر دور شود. به‌عنوان مثال، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی وضعیت کودکان در معرض خطر را پیش‌بینی نموده است. به‌موجب این ماده: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حفاظت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین شناخته شده است:

- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار
- اشتها به فساد اخلاقی و فحشا
- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی
- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضد اخلاقی
- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف

ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی نیز اشعار می‌دارد: «طفل را نمی‌توان از ابویین یا از پدر یا مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی». به این‌سان، امکان خروج کودک از حضانت والدین در شرایط مقرر در این قانون پیش-بینی شده است. به نظر می‌رسد به‌منظور حمایت از کودکان در معرض خطر، قضات ویژه رسیدگی‌کننده باید با درنظر گرفتن معیارهای مذکور، از پاسخ‌ها و تدابیر سریع و خارج از چارچوب و تشریفات دادرسی‌های عادی بهره‌گیرند.

۱-۳- حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در فرآیند تعقیب کیفری

در مرحله تعقیب، آن‌گاه که دادستان براساس نظام قانونی بودن تعقیب مکلف به تعقیب دعوی عمومی است، برخی وظایف و تکالیف را در راستای رعایت حقوق بزه‌دیده برعهده دارد. از جمله داستان به‌عنوان یکی از مقامات قضایی مکلف است طبق ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری، حقوق بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی را به او تفهیم کرده و سازوکارهای اجرای آنرا فراهم سازد. یکی از این حقوق، مطلع نمودن بزه‌دیده از امکان کمک سازمانهای مردم‌نهاد موضوع تبصره ۲ ماده ۶۶ همان قانون می‌باشد که نقش بسیار مهمی در حمایت از کودکان بزه‌دیده درطول فرآیند کیفری بدنبال خواهد داشت. هم‌چنین آگاه کردن کودکان بزه‌دیده از حق استفاده از وکیل معاضدتی و یا وجود صندوقهای جبران خسارت آنگونه که در بعضی از کشورها مشاهده می‌شود، می‌تواند از تکالیف دادستان در این‌خصوص بشمار آید.

درهمین چارچوب می‌توان، به حق بزه‌دیده مبنی بر دسترسی آسان به عدالت کیفری اشاره نمود که دادستان را مکلف به پذیرش شکایت کتبی و شفاهی بزه‌دیده در همه وقت می‌کند و امکان شکایت و اعلام جرم بدون تشریفات خاصی را برای بزه‌دیدگان فراهم می‌سازد (ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری). سرانجام مطابق ماده ۷۱ همان قانون، به‌منظور حمایت از کودکان بزه‌دیده در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان رأساً تعقیب کیفری را به‌عهده می‌گیرد و بدون موافقت او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف نخواهد شد.

۲- نقش دادستان در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در نظام موقعیت‌داشتن تعقیب

در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نقش مقام قضائی در نظام موقعیت‌داشتن تعقیب، مأموریت نهادهای پیش دادرسی تنها تعقیب متهم و جمع‌آوری دلیل جهت اثبات دعوی کیفری نیست، بلکه به آنها اختیار داده شده تا از برخی ضمانت‌اجراهای دیگر برای پاسخ‌دهی به جرم استفاده نمایند. این پاسخ‌ها براساس شرایط متهمان و یا بزه‌دیدگان می‌تواند

تنبیهی و یا ترمیمی باشد. در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزه دیده در نظام موقعیت داشتن تعقیب از این رهگذر دو نوع تدبیر جانشین تعقیب قابل انجام است: الف) تدابیر ترمیمی، ب) تدابیر تنبیهی.

۲-۱- تدابیر ترمیمی

تدابیر ترمیمی ناظر به جبران و ترمیم خسارت‌های وارد شده بر بزه‌دیده یا جامعه و نیز بازپروری بزه‌کار هستند. توسل به میانجی‌گری با توافق طرف‌های دعوا مهم‌ترین تدبیر ترمیمی جانشین تعقیب است^۱. در ایران، قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با رویکرد به نظام «موقعیت داشتن تعقیب» به مقام قضایی (دادستان و دادگاه)، این اختیار را داده است تا از طریق میانجی، زمینه مذاکره برای جبران خسارت‌های ایجاد شده و در نتیجه حل و فصل اختلاف کیفری و صلح و سازش میان طرف‌های جرم را فراهم کند. طبق ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در جرم‌های تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق‌اند، دادستان می‌تواند برای دستیابی به سازش میان طرف‌های دعوا، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع کند.

چنانچه میانجی‌گری به ترمیم خسارت و تحقق خواسته بزه‌دیده با همکاری و رضایت متهم بینجامد، در جرم‌های گذشت پذیر تعقیب متوقف شده و در جرم‌های درجه ۶ تا ۸ تعقیب متهم از شش ماه تا دو سال معلق خواهد شد. همچنین، ماده ۱۹۲ این قانون با رویکردی ترمیمی به بازپرس اختیار داده است که در صورت امکان در ایجاد صلح و سازش یا ارجاع امر به میانجی‌گری بکوشد.

ماده ۱۶ لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان نیز نهاد میانجی‌گری میان شاکی، بزه‌دیده، و متهم کودک را در مرحله‌های دادرسی، دادگاه و حتی اجرای حکم پیش‌بینی کرده بود. به موجب این ماده، دادرسی یا دادگاه حسب مورد برای حل و فصل دعوا، جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین، موضوع را برای حل و فصل دعوا، جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین، موضوع را به شورای حل اختلاف، مددکاران اجتماعی یا اشخاص صلاحیت‌دار دیگر به مثابه میانجی ارجاع می‌کند. میانجی کوشش لازم و کافی برای برقراری سازش میان طرف‌های دعوا به عمل می‌آورد و در هر صورت گزارش اقدام خود را برای تصمیم‌گیری در مهلتی که دادرسی یا دادگاه تعیین کرده، تسلیم می‌کند. دادرسی پس از دریافت گزارش میانجی مبنی بر سازش، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند و در صورت عدم سازش، پرونده را برای تصمیم‌گیری به دادگاه می‌فرستد. دادگاه نیز پس از دریافت گزارش حسب مورد قرار موقوفی تعقیب صادر یا شروع به رسیدگی می‌کند. به موجب تبصره این ماده، اقدام به برقراری سازش و صلح ضمن اجرای حکم نیز جایز است. (این لایحه در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ادغام گردید). ملاحظه می‌شود که امتیاز این لایحه نسبت

به ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این است که کلیه جرم‌های ارتكابی توسط کودکان و نوجوانان بزه‌کار را دارای قابلیت رسیدگی از طریق میانجی‌گری دانسته بود. با وجود این، از میان هدف‌های سه‌گانه پیش‌بینی شده در میانجی‌گری (ترمیم خسارت بزه‌دیده، اختلال ناشی از ارتكاب جرم و بازپروری اجتماعی مرتکب)، فقط ترمیم خسارت و آسیب‌های مادی و روانی بزه‌دیده مورد توجه قانون آئین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته و از اصلاح و بازپذیری اجتماعی مرتکب، که عاملی مهم در پیش‌گیری از تکرار جرم به حساب می‌آید، غفلت شده است. میانجی‌گری به‌ویژه هنگامی که متهم و بزه‌دیده ناگزیر از ادامه زندگی فعالیت در کنار یک‌دیگراند، می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند. این شیوه به دلایلی می‌تواند به عنوان جانشین عدالت کیفری کلاسیک، چه در شکل سزا دهنده و چه در شکل بازپرورانه آن، برای حل و فصل اخلاف‌های ناشی از جرم، پیشگیری از بزه‌کاری و حتی اصلاح بزه‌کار نیز اعمال شود.

بزه‌دیده امکان می‌یابد که احساسات، دردها، هیجان‌ها و پرسش‌های خود را به بزه‌کار بازتاب داده و با وی مطرح کند. متهم نیز فرصت می‌یابد تا به نا انسانی بودن عمل خود پی ببرد و این شرم‌ساری، برای او عبرت‌آموز و بازپذیر کننده خواهد بود. این امر سبب می‌شود که متهم از نیازهای واقعی بزه‌دیده که در اثر ارتكاب عمل مجرمانه ایجاد شده است آگاه شود و در تسکین بزه‌دیده بکوشد.

نقش جامعه نیز در اجرای درست میانجی‌گری اساسی است. در واقع، بزه‌کار نه تنها در برابر بزه‌دیده، بلکه در برابر اعضای جامعه که در فرایند عدالت ترمیمی شرکت داشته‌اند متعهد شود. بدین‌سان بزه‌کار از همراهی اعضای جامعه مدنی بهره‌مند می‌شود و جامعه مدنی احساس عضویت در جامعه را که در پی ارتكاب جرم ازدست رفته است در وی ایجاد می‌کند.

۲-۲- تدابیر تنبیهی

این تدابیر از سوی سیاست‌گذاران جنائی برای پاسخ‌دهی به شماری از بزه‌کاران شناسایی شده است. در این چارچوب مقام‌های قضائی و مرتکبان درخصوص چگونگی تعقیب سرنوشت دعوی کیفری گفتگو و توافق می‌کنند. در ایران توافق میان دادسرا و متهم نخستین بار در اصلاحاتی به عنوان قانون «تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آئین دادرسی کیفری و کیفر عمومی» مصوب بهمن ۱۳۵۲ زیر عنوان تعلیق تعقیب پذیرفته شد. ماده ۴۰ مکرر این قانون به دادستان اختیار می‌داد که در جرم‌های جنحه به استثنای جنحه-های باب دوم قانون مجازات عمومی (جرم‌های علیه امنیت داخلی و خارجی مملکت) اگر متهم پیشینه محکومیت کیفری مؤثر نداشته و به جرم ارتكابی اقرار مقرون به واقع کند، ومدعی خصوصی نیز نداشته باشد، بتواند تعقیب کیفری او را معلق کند. استفاده از این اختیار برای دادستان حداکثر تا اولین جلسه دادرسی دادگاه کیفری امکان داشت. تصمیم دادستان در صورت تعلیق تعقیب در سبج کیفری ثبت می‌شود در صورتی که متهم طی سه

سال از تاریخ صدور قرار تعلیق تعقیب مرتکب جرم از درجه جنحه یا جنایی می‌شد، نسبت به اتهام پیشین نیز مورد تعقیب قرار می‌گرفت. در سال ۱۳۵۶ قانون‌گذار با حذف آن قسمت از ماده ۴۰ که مقرر می‌داشت: «دادستان پس از صدور قرار تعلیق پرونده را به دادگاه جنحه ارسال می‌کند، دادگاه جنحه در صورتی که قرار تعلیق را تأیید کند قرار قطعی، و در غیر این صورت طبق مقررات به موضوع رسیدگی خواهد کرد». هرگونه نظارت و کنترل مقام بالاتر را در مورد تصمیم چه بسا ناموجه دادستان، در تعلیق تعقیب به کلی از میان برد. در نتیجه اصل تفکیک مرحله تعقیب از مرحله دادرسی را مخدوش کرد.

بدین‌سان تعلیق تعقیب به موضوع سازش و گفتگو میان دادستان و متهم قرار می‌گیرد. در واقع طرف‌های دعوا با یک‌دیگر مذاکره و گفتگو می‌کنند تا امتیازهای متقابل برای هم قائل شوند. دادستان که به شکل موقتی، تعقیب را تعلیق کرده یا بطور قطعی از تعقیب متهم صرف‌نظر می‌کند، در واقع به متهم امتیازی می‌دهد. متهم نیز با اقرار خود با وجود بهره‌مندی از مزایای مربوط به اصل براءت در واقع امتیاز مهمی را به طرف مقابل می‌دهد.

قانون‌گذار در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز با استفاده از دست آوردهای حقوق تطبیقی و جرم‌شناسی به امکان سازش میان دادستان و متهم توجه کرده است. به موجب ماده ۸۱ «در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده، یا خسارات وارده جبران گردیده است و یا با موافقت بزه‌دیده ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شده و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین مناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند در این صورت دادستان متهم را حسب مورد مکلف به اجرای برخی از دستورات زیر می‌کند:

الف- ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده.

ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر حداکثر ظرف شش ماه.

پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین حداکثر به مدت یک سال.

ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین حداکثر به مدت یک سال.

ث- معرفی خود در زمانهای معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان حداکثر به مدت یک سال.

ج - انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه با تعیین دادستان حداکثر به مدت یک سال.

چ - شرکت در کلاسها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر به مدت یک سال.

ح - عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه حداکثر به مدت یکسال.

خ - عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن حداکثر به مدت یک سال.
 د - عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین.

ذ - ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط حداکثر به مدت شش ماه.

بدین ترتیب دادستان پیش از تصمیم درباره‌ی دعوای عمومی می‌تواند پیشنهاد تدبیرهای جانشین را مطرح کند. این سازش کیفری زمانی موجب تعلیق دعوای عمومی می‌شود که بزه‌کار پیشتر اتهامات را پذیرفته باشد و با اجرای دستورهای پیشنهادی دادستان موافقت کند. با این وجود، قانونگذار برای صدور این قرار، یک شرط بزه‌دیده مدارانه هم پیش‌بینی کرده است تا منافع بزه‌دیده نیز حفظ گردد از اینرو گذشت شاکی یا پرداخت جبران خسارت او، بعنوان یکی از شروط صدور این قرار در نظر گرفته شده است.

بنابر این در موارد سازش کیفری اگرچه فردی مرتکب جرم شده است، چه بسا بتوان وی را به اندازه کافی یکپارچه شده در زندگی اجتماعی دانست و به همین دلیل ضمانت اجرای کیفری نسبت به وی را بیهوده دانست. تشخیص ضرورت اعمال ضمانت اجرای کیفری نسبت به فرد به ارزیابی و برآورد دادستان واگذار شده است. در واقع مسیر گزینش میان پیشگیری و سرکوب گشوده است. اصل راهبرد حقوق کودکان بر فرض عمومی تربیت پذیری آنان استوار است حال آنکه اصل راهبرد حقوق بزرگسالان قاعده ارزیابی مورد به مورد قابلیت اجتماعی بودن فرد را که می‌تواند اعمال ضمانت اجرای کیفری را ناموجه کند مطرح می‌سازد. تنوع اقدام‌ها و دستورهای پیش‌بینی شده در مقررات مورد اشاره برای مرتکبان، درواقع امکان عملی ساختن تدبیرهای ترمیم و جبران کنترل و امدادرسانی را تداعی می‌کند که یادآور اقدام‌های جامع‌پذیری معمول درمورد کودکان است (ساقیان، ۱۳۹۱: ۵۳۶-۵۱۹).

ج - حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

پس از این‌که دادستان تصمیم به تعقیب کیفری گرفت، پرونده را جهت تحقیقات مقدماتی به بازپرس ارجاع می‌دهد. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دراین مرحله نیز حقوق قابل توجهی را برای بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است. با این همه، در این مرحله حمایت افتراقی خاصی برای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است، و قانونگذار بطورکلی بزه‌دیدگان (بزرگسالان- کودکان) را مورد حمایت قرار داده است. بی‌تردید، در رعایت این حقوق، مقام تحقیق می‌بایست تمامی کوشش خود را برای کاهش اضطراب و نگرانی این دسته انجام دهد. با توجه به اینکه نظام حقوقی ما در خصوص استماع اظهارات کودکان بزه‌دیده فاقد هرگونه قوانین حمایتی (ازجمله ضبط اظهارات این دسته از بزه‌دیدگان بدون حضور سایرین) است، و معمولاً تحقیقات از آنها در دادسرا به شیوه عمومی و به‌طور

یکسان با افراد بزرگسال صورت می‌گیرد، کودکان در فرآیند تحقیقات به جهت شرایط ویژه روحی-روانی ممکن است دچار بزه‌دیدگی ثانویه شوند. به‌ویژه در موارد آزارهای جنسی که شرح بزه‌دیدگی پیامدهای ناگواری برای آنان به دنبال دارد و ممکن است مدت‌ها طول بکشد تا کودک مجدداً سلامت روانی خود را به دست آورد.

بدین ترتیب ضروری است تا بازپرس، فردی متخصص و آموزش دیده در این زمینه باشد تا تحقیقات خود را با در نظر گرفتن نیازهای خاص کودک و رعایت کرامت انسانی انجام دهد. البته استفاده از روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی متخصص در امور کودکان می‌تواند در جلوگیری از آسیب‌پذیری بیشتر کودکان و کمک به روشن شدن حقیقت بسیار مؤثر باشد.

در این میث طی دو گفتار با بررسی اسناد بین‌المللی و نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به راهکارهای حمایتی و حقوق کودکان بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی خواهیم پرداخت.

۱- حق آسان نمودن مشارکت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی

اگرچه حق کودکان بزه‌دیده بر کاهش صعوبت دادرسی در فرآیند کیفری به رسمیت شناخته شده است^۹، به منظور تضمین این حق، تعدیل کلیه شیوه‌هایی که باعث افزایش آزرده‌گی و اضطراب کودک می‌شود، امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود که میزان اضطراب کودک در طی مرحله تحقیقات و بازجویی کاهش یابد. اگرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسد، استفاده از مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و بازجویی توسط مأمورین زن اضطراب کمتری را برای کودک ایجاد می‌کند، اما تحقیقات انجام شده در این زمینه، نشان می‌دهد که آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، شیوه انجام تحقیقات است و جنسیت بازپرس در کنار شیوه بازپرسی، جنبه فرعی پیدا می‌کند.

۱-۱- برقراری رابطه دوستانه

اغلب کودکان و نوجوانان قبل از بازپرسی بسیار نگران و مضطرب می‌باشند. به همین جهت، برقراری رابطه عاطفی بازپرس با کودک و جلب اعتماد او می‌تواند باعث آرامش وی شود. خصوصاً که نگرانی و اضطراب کودک می‌تواند مانع یادآوری وقایع و در نتیجه شرح کامل بزه‌دیدگی گردد. صحبت‌های اولیه می‌تواند راجع به موضوعاتی غیر از مسائل پرونده مثل ورزش، برنامه‌های تلویزیون، بازی‌های مورد علاقه کودک و ... باشد.

بازپرس باید در این مرحله کودک را از این که کار اشتباهی انجام نداده است مطمئن نماید و در واقع احساس گناه وی را کاهش دهد و حتی توصیه شده است برای برقراری رابطه با کودک، از وی خواسته شود، واقعه‌ای را که مربوط به پرونده نمی‌باشد، مثل جشن

تولد را توضیح دهد. این شیوه تمرینی است که کودک را برای بیان جزئیات یاری می‌رساند (شریف رازی، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۲).

۲-۱ - تحقیق توسط متخصصان آموزش دیده

در بسیاری موارد چه در بزه‌دیدگی‌های درون خانواده و چه در خارج از آن، کودک بزه‌دیده، بهتر از هرکس دیگری می‌تواند اطلاعات مورد نیاز مقامات قضایی را در جریان تکمیل پرونده در اختیار آن‌ها قرار دهد، بنابراین افرادی که در امر مصاحبه با کودک دخالت می‌نمایند، باید در خصوص نحوه برخورد با کودک آموزش دیده باشند. زیرا از یک طرف برخورد نامناسب می‌تواند به اثر سوء در روحیه کودک، سلب اعتماد و در نتیجه عدم همکاری وی با مراجع مزبور منجر شده و از طرف دیگر، هیجان شرح کامل بزه‌دیدگی را با مشکل مواجه نموده و مانع حصول نتایج دلخواه از مصاحبه شود.

مأموران تحقیق یا بازپرسان موفق نیاز به مهارت‌های خاص دارند و آموزش‌های متناسب برای یک بازپرس چه برای علم و آگاهی از موضوعات مربوطه و چه آگاهی از تکنیک‌های خاص ضروری است. به علاوه جرایم علیه کودکان و نوجوانان، مستلزم درک و آگاهی نسبت به سایر جرایم نیز می‌باشد. در برخی از کشورها، بازپرسان ویژه این جرائم از میان کارشناسان متخصص و آموزش‌دیده انتخاب می‌شوند که برای تصدی این مسئولیت به آن‌ها تعلیم مناسب داده می‌شود. تعلیم و آموزش می‌تواند از طریق برقراری دوره‌های کارآموزی صورت گیرد.

تدوین کنندگان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در ماده ۳۶، لزوم انجام تمام مصاحبه‌ها و تحقیقات از کودکان را توسط افراد آموزش دیده توأم با رفتاری احترام آمیز در کمترین دفعات و کوتاه‌ترین زمان ممکن و با در نظر گرفتن نیازهای خاص کودک مورد توجه قرار دهند و بلافاصله در ماده ۳۷ مقرر شده که مقام قضایی می‌تواند با در نظر گرفتن غبطه و مصلحت کودک و نوجوانان، انجام این امور را در هر مورد به مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری یا ضابطین دادگستری محول نماید.

۲- حق استفاده کودکان و نوجوانان بزه‌دیده از معاضدت‌های حقوقی

۲-۱- حق برخورداری از معاضدت وکیل

قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحولات مهمی را در خصوص برخورداری از وکیل برای متهم پیش‌بینی نموده است. این امر، در ماده ۵ این قانون بعنوان یک اصل راهبردی برای متهم در نظر گرفته شده است. بی‌تردید، حق برخورداری کامل از خدمات وکیل مدافع برای بزه‌دیده نیز در طول فرآیند کیفری وجود دارد.

مطابق مقررات ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مکلفند شاکي را از حق بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند. هم‌چنین به موجب مواد ۳۷ و ۶۸ همین قانون امکان طرح شکایت شاکي شخصاً یا توسط وکیل وی نزد ضابطان دادگستری پیش‌بینی شده است. متأسفانه همان‌گونه که اشاره شد، قانون آیین دادرسی کیفری امکان استفاده از وکیل مدافع رایگان را چه برای متهم و چه برای بزه‌دیده که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند پیش‌بینی نکرده است.^{۱۰} شاید بتوان از رهگذر اصل سی و پنجم قانون اساسی دولت را مکلف به تهیه امکانات مناسب برای دسترسی بزه‌دیده به وکیل در موارد ناتوانی مالی - اقتصادی وی دانست.

۲-۲- حضور حامی در جلسه بازپرسی

معضلات و صعوبت مرحله بازپرسی ممکن است باعث شود تا برای کاهش اضطراب کودک، فردی به عنوان حامی، برای کودک منصوب شود. حضور حامی، در مورد کودکان بسیار صغیر و کودکانی که شدیداً دچار ناراحتی شده‌اند، می‌تواند سودمند باشد. حضور حامی یا همراهی کودک در روند تحقیقات و حضور یک فرد آشنا و صمیمی روشی عملی و آسان برای جلوگیری و کاهش اضطراب کودک محسوب می‌شود.

در کلیه رهنمودهای سازمان ملل متحد برای اطفال بزه‌دیده و شاهد، لغت «شخص حامی»^{۱۱} لغتی آشناست که به دفعات به چشم می‌خورد. در تعریف شخص حامی چنین آمده است: «شخص حامی شخصی است که به طرز خاصی برای مساعدت به یک کودک در سراسر فرآیند عدالت کیفری جهت جلوگیری از اعمال زور و تهدید و بزه‌دیدگی مکرر یا بزه‌دیدگی ثانوی تعیین شده است».

والدین و یا قیم کودک نباید به‌صورت اتوماتیک از ایفای این نقش استثناء شوند. ولی ماهیت و شرایط پرونده، می‌تواند مانع حضور آنها شود. در برخی از موارد حضور والدین به نفع طفل نمی‌باشد.

غیر از والدین، می‌توان از حضور معلم، پرستار کودک و یا هر یک از اعضای خانواده کودک به عنوان حامی بهره برد. باید به حامی تعلیم داده شود تا خود در بازپرسی شرکت نکند، اظهارات کودک را تصحیح ننموده، به کودک اشاره نکند و باید توجه شود که تنها علت حضور وی در جلسه، قوت قلب بخشیدن به کودک با حضور او در جلسه است.

در بند ۲ ماده اصول راهبردی ۲۰۰۴ در تعیین مصداق متخصصانی که به سبب نوع کارشان در تماس با اطفال بزه‌دیده و شهود هستند، اشخاص حامی و طرفدار حقوق اطفال را نمونه‌ای از این مصداق آورده است. در ماده ۲۶ همین سند راهبردی نیز یکی از اقدامات متخصصان در مرحله قبل از محاکمه را در بند ۲، تعیین حامیان اطفال شامل اعضای خانواده برای همراهی اطفال در اثنای ادای شهادت آنان می‌داند و هم‌چنین با توجه به اسناد بین‌المللی، تدوین کنندگان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز در ماده ۳۵ به حق حضور والدین، اولیا، سرپرست قانونی و حسب مورد یک نفر نماینده مطلع از مددکاران اجتماعی

بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری در جلسات دادرسی و ارائه دفاعیه و پیشنهادات حمایتی از کودک و نوجوانان اهتمام ورزیده اند.

۳- حق آگاهی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده از حقوق خود

کودکان بزه‌دیده در طول فرایند تحقیقات مقدماتی باید از حقوق خود آگاه شوند. مطلع نمودن این حقوق باید یک تکلیف برای بازپرس قلمداد شده و عدم انجام این امر توسط وی همراه با ضمانت اجرا باشد. در واقع در ابتدای تحقیقات بزه‌دیده باید از تمام حقوق خود آگاه شده و سازوکار اجرای آن نیز فراهم گردد. این آگاه‌سازی را می‌توان بشرح ذیل مورد اشاره قرار داد. در وهله اول بازپرس بر طبق ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مکلف است بزه‌دیده را از حق جبران خسارت و امکان تقدیم دادخواست ضرر و زیان آگاه سازد. در کشورهایی که صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان وجود دارد، یکی از تکالیف بازپرس مطلع نمودن بزه‌دیدگان از وجود چنین صندوق‌هایی است. در وهله دوم بازپرس مکلف است مطابق تبصره ماده ۶۶ بزه‌دیدگان را از وجود سازمان‌های مردم نهاد و کمک‌های آنها آگاه سازد. در وهله سوم، بازپرس مکلف است بزه‌دیده را از حق برخورداری از وکیل آگاه سازد. متأسفانه ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تکلیف بازپرس به مطلع نمودن حق برخورداری از وکیل در ابتدای تحقیقات مقدماتی را تنها برای متهم پیش‌بینی نموده است و برخلاف اصل تساوی سلاح‌ها، وجود چنین حقی را برای بزه‌دیده در نظر نگرفته است. با این وجود، با توجه به مقررات ماده ۶ این قانون می‌توان چنین برداشت نمود که بازپرس مکلف به آگاه نمودن بزه‌دیده از این حق اساسی می‌باشد. سرانجام، بازپرس مکلف است کودکان بزه‌دیده را از پیشرفت جریان تحقیقات مقدماتی آگاه سازد. در بعضی از کشورها مانند فرانسه، مدت تحقیقات مقدماتی تخمین زده شده و به بزه‌دیده اعلام می‌شود. چنانچه مدت تحقیقات مقدماتی در امور جنحه از یکسال و در امور جنایی از ۱۸ ماه تجاوز نماید، بازپرس مکلف است بزه‌دیده را آگاه‌سازد که در پایان این مواعد می‌تواند خاتمه تحقیقات را تقاضا کند. هم‌چنین بازپرس مکلف گردیده است که هر ۶ ماه یکبار بزه‌دیده را از پیشرفت جریان تحقیقات مقدماتی آگاه ساخته و اقدامات انجام شده را به اطلاع او برساند. متأسفانه قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقررات خاصی را درخصوص آگاه ساختن بزه‌دیده از روند تحقیقات مقدماتی و مدت آن پیش‌بینی ننموده و به‌نظر می‌رسد این امر مهم باید در اصلاحات آتی قانون آئین دادرسی کیفری مورد نظر قانون‌گذار قرار گیرد.

۴- حق بر تأمین امنیت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در طول جریان تحقیقات مقدماتی

پس از ارتکاب جرم یا خشونت علیه کودک، مظنون یا دیگر اشخاص ممکن است درصدد تهدید بزه‌دیده برای بازداشتن وی از توسل به نظام عدالت کیفری بوده و یا در اقدامی تلافی جویانه بزه‌دیده را به دلیل گزارش موضوع به مقام‌های قانونی مورد اذیت و

آزار قرار دهند، این امر به‌ویژه هنگامی خطرناک است که بزه‌دیده و مرتکب جرم رابطه تنگاتنگی با یک‌دیگر دارند و برای نمونه از اعضای یک خانواده محسوب می‌شوند. بنابراین برای حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر مانند کودکان تسهیلات ویژه باید انجام شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۹).

کودک بزه‌دیده در درجه اول نیازمند امنیت است و در وضعیتی است که به لحاظ وضعیت جسمی و روحی دیگر به راحتی احساس امنیت نخواهد کرد چون امنیتش توسط بزه‌کار و اقدامات بزه‌کارانه‌ی او مختل شده است و بعد از ارتکاب جرم همواره امکان این امر وجود دارد که متهم یا دوستان و بستگان او بزه‌دیده را به پس گرفتن اعلام شکایت خود تهدید کنند و کودک به علت ترس از تهدیدها و انتقام جویی‌ها حاضر به همکاری با مقامات دادسرا و دادگاه نشود.

تأمین امنیت کودک بزه‌دیده و گواهان او یکی از حقوق انسانی و اخلاقی در فرآیند کیفری است. به همین جهت با توجه به مهم‌ترین منافع کودکان باید تمهیدات و اقداماتی برای تحقق این هدف اندیشید. این تدابیر باید نخست به سوی سلامت بدنی و سپس سلامت روانی و عاطفی بزه‌دیده جهت یافته باشد وانگهی، هرگونه احساس ناامنی در بزه‌دیده ممکن است به یک بحران پس از بزه‌دیدگی بینجامد که در صورت بی‌توجهی امکان دارد به شکل یک آسیب روانی یا درد و رنج عاطفی تازه یا پیشرفته درآید (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۴).

ماده ۸ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مصوب ۲۵ مه ۲۰۰۵ در بند ج به تأمین امنیت کودکان قربانی و خانواده و شاهد ایشان از تهدیدها و تلافی جویی‌ها به صراحت اشاره دارد. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز امنیت بزه‌دیده را مورد توجه قرار داده و تدابیر مفیدی را در این خصوص پیش‌بینی نموده است. به موجب ماده ۹۷ این قانون «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کنند جرم یا خانواده آنان و هم‌چنین خانواده متهم در برابر تهدیدات و در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند».

در اسناد مختلف بین‌المللی سازوکارهای مناسبی برای حمایت از امنیت کودک بزه‌دیده یا شاهد او در نظر گرفته است به‌عنوان نمونه:

۴-۱- انتقال کودک بزه‌دیده به مکان امن

ایجاد پناهگاه‌هایی برای کودکان بزه‌دیده به ویژه در خشونت‌های خانگی با عنوان «خانه-های امن» کمکی مؤثر برای خروج به موقع از قلمرو خشونت بوده و از تکرار آن جلوگیری می‌کند. باید از بزه‌دیده در مورد ترس‌هایش در رابطه با امنیت خود و دیگران سؤال شده،

نگرانی‌های وی جدی گرفته شود و در صورتی که وی احساس می‌کند در معرض خطر قرار دارد به مسکن جایگزین امن منتقل شود.

تأسیس مراکز جبهت کمک رسانی به بزه‌دیده با ارائه معاضدت‌های پزشکی، روحی، حقوقی نظام‌مند و تضمین احیای مجدد امنیت او حرکتی است جامع و فراگیر که بزه‌دیده را از تهدید به قرار گرفتن در خشونت مضاعف به دلیل فقدان مأمنی مناسب رهایی خواهد داد. در بسیاری از کشورها از دیرباز نهادهای سازم مراکز و انجمن‌های فوق به‌عنوان ضرورتی انکار ناپذیر مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در فرانسه از سال ۱۹۸۲ وزارت دادگستری دفتر حمایت از بزه‌دیدگان را ایجاد کرده است (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۶). در ماده ۳۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان یکی از وظایف مرجع قضایی جهت جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام جویی و یا ورود آسیب جسمانی یا روانی به کودک و نوجوانان بزه‌دیده، شاهد و در معرض خطر را صدور دستور انتقال کودک به محل مطمئن و امن دانسته است. در ماده ۲۹ لایحه مذکور نیز مقرر شده که هرگاه خطر شدید و قریب الوقوعی کودک و نوجوان را تهدید کند با تشخیص و زیر نظر مددکاران اجتماعی و با همکاری ضابطان دادگستری در موارد ضروری کودک و نوجوانان را از محیط خطر دور کرده به مراکز بهزیستی و در صورت لزوم به سایر مراکز مربوط منتقل شوند.

۴-۲- تشدید قرار تأمین متهم

یکی از طرقی که هم در اسناد بین‌المللی و هم در حقوق ایران برای تأمین امنیت کودک بزه‌دیده در نظر گرفته شده است تشدید قرار تأمین کیفری است. در ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری جهت صدور قرار تأمین را به منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگران دانسته است. اما در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که به حقوق بزه‌دیدگان نیز توجه خاصی مبذول داشته است جهت دیگری برای صدور قرار تأمین کیفری پیش‌بینی شده و آن، «تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم» می‌باشد و در ماده ۲۴۳ این قانون پیش‌بینی شده که «بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون قرار تأمین صادره را تشدید کند».

بی‌تردید عوامل بسیاری می‌تواند در تشدید قرار تأمین مؤثر باشد. برای مثال آسیب-دیدگی بزه‌دیده، میزان خسارت وارده و این که احتمال دارد در آینده امنیت بزه‌دیده به خطر بیفتد و هم‌چنین توجه به خصوصیت بزه‌دیده. بنابراین بازپرس می‌تواند در نظر بگیرد که اگر آسیب بیشتری به کودک وارد شود از قرار تأمین شدید تری استفاده کند (زینالی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

هر چند تشدید قرار تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری در صدد حمایت از مطلق بزه‌دیدگان بر آمده است، اما این جنبه حمایتی در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان به پیروی از اعلامیه حقوق کودک ۱۹۸۵ مختص کودکان بزه‌دیده در نظر گرفته

شده است. در ماده ۳۴ لایحه تشدید قرار تأمین کیفری متهم یکی از وظایف مراجع قضایی جهت جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام‌جویی و یا ورود آسیب جسمی و روانی به کودک و نوجوان در معرض خطر، بزه‌دیده یا شاهد و مطلع باشد. در اعلامیه حقوق کودک ۱۹۸۵ تشدید قرار تأمین کیفری متهم یکی از جلوه‌های حمایتی برای کودک بزه‌دیده شمرده شده است.

۴-۳ - بازداشت مرتکب

همان‌طور که تاکنون ذکر شد در فرآیند کیفری باید امنیت بزه‌دیدگان مدنظر قرار گیرد و مراجع قضایی نیز در موارد بسیاری برای تأمین امنیت بزه‌دیدگان علی‌الخصوص کودک بزه‌دیده مرتکب را توقیف نگه می‌دارند. زیرا کودکی که در نتیجه تحمل بزه احساس ناامنی می‌کند ممکن است آزادی مرتکب ترس و تهدید او را تشدید کند و یا حتی مرتکب درصدد تهدید و انتقام‌جویی برآید. بنابراین یکی از سازوکارها جهت حفظ امنیت بزه‌دیده به ویژه در خشونت‌های خانگی که خشونت‌گر و خشونت‌دیده در مکانی مشترک سکونت دارند و حفظ امنیت بزه‌دیده در این شرایط دشوار است، بازداشت اجباری مرتکب می‌باشد. سابقه بازداشت اجباری در موارد خشونت‌های خانگی به یک تجربه در اداره پلیس آمریکا در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ میلادی باز می‌گردد (حسامی، ۱۳۸۴: ۲۷۴). هم‌چنین بازداشت متهم برای حفظ امنیت بزه‌دیده در ماده ۳۴ راهبردهای دادگری ۲۰۰۵ نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در کودک آزاری صدور قرار بازداشت موقت را به رسمیت شناخته است. طی این ماده صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده ۲۳۷ (که یکی از آن موارد ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت اطفال می‌باشد) منوط به تحقق شرایطی است و یکی از آن شرایط در بند پ ماده ۲۳۸ «در صورتی که آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان کودک بزه‌دیده، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد» است. بنابراین در صورتی که آزاد بودن موجب به خطر افتادن جان کودک بزه‌دیده، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد، صدور قرار بازداشت موقت متهم موجه است^{۱۲}. اما باید خاطر نشان ساخت که استفاده بی‌رویه از بازداشت می‌تواند مشکلات خانوادگی را دامن زده و موجبات بزه‌دیدگی مضاعف کودک را فراهم نماید. بنابراین حتی الامکان مراجع قضایی می‌توانند زمانی که به بازداشت مرتکب اقدام می‌کنند، احساس کودک را نسبت به آن در نظر بگیرند. در برخی قوانین مثلاً در قانون حمایت از بزه‌دیدگان آمریکا در سال ۲۰۰۴ تأکید شده است تا حدی که امکان پذیر است موافقت بزه‌دیده را احراز کنند.

حسب آمارهای موجود پنجاه و دو درصد جمعیت زندانیان ایران کسانی هستند که برای کمتر از ده روز به واسطه صدور انواع قرار تأمین در زندان حضور پیدا می‌کنند که این مورد، یکی از عوامل مؤثر افزایش جمعیت کیفری در زندان‌های کشور است. بنابراین تا

آنجا که امکان دارد لازم است از تدابیر دیگر جهت تأمین امنیت کودک بزه‌دیده در فرآیند کیفری استفاده شود.

همان‌طور که اشاره شد، مراحل گوناگون فرآیند کیفری باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی کودک در وی احساس امنیت ایجاد کند. یکی از عناصر اساسی و مصادیقی که برای تأمین امنیت کودک بزه‌دیده لازم و ضروری به نظر می‌رسد بحث حمایت از هویت کودک و حفظ حریم او می‌باشد. حفظ حریم خصوصی و عدم افشای اسرار کودک و نوجوانان یکی از اصول بنیادین در دادرسی جرایم علیه کودکان است و عدم رعایت این عنصر بسیار مهم و دخالت بیش از حد مأموران تحقیق و افشای اطلاعات شخصی و خانوادگی کودک در بین اقوام و همسایگان می‌تواند موجبات صدمه به کودک را فراهم آورد و پیامدهای مخربی برای آینده وی در بر داشته باشد. به دلیل قرار گرفتن کودک در مرحله رشد اگر برجستگی به عنوان بزه‌دیده به او زده شود امکان بزه‌دیدگی ثانوی او را تشدید می‌کند و باعث ریختن آبروی کودک می‌شود. حفظ حریم خصوصی از طریق حفظ محرمانه بودن اطلاعات و محدودیت افشای اطلاعات که ممکن است به شناسایی کودک بزه‌دیده در فرآیند کیفری منجر گردد، حاصل می‌شود.^{۱۳}

نتیجه‌گیری

کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت قرار دارند به همین جهت، نحوه‌ی برخورد کنشگران عدالت کیفری با این دسته و ماهیت حمایت‌ها و تدابیر پیش‌بینی شده برای آنان در عملکرد آینده این افراد بسیار تأثیرگذار است. در قوانین آئین دادرسی کیفری قبلی (قانون آئین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸) مهم‌ترین ابتکار قانون-گذار، پیش‌بینی برخی حقوق سنتی از قبیل: امکان مطالبه ضرر و زیان در دادگاه‌های کیفری، حق استفاده از معاضدت وکیل و ... بود. اما در پرتو مقررات آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، سیاست‌گذاران جنایی ایران، اگرچه به کودکان و نوجوانان بزه‌دیده مانند بزرگسالان بزه‌دیده نگریسته‌اند و بر همین اساس سیاست ویژه‌ای برای پاسخ دهی آنان پیش‌بینی ننموده‌اند، ولی تحولات مهمی در زمینه‌های شکل‌گیری و سامان دهی حقوق بزه‌دیدگان فراهم نموده‌اند.

با توجه به مقررات پیش‌بینی شده در این قانون هنوز نمی‌توان از افتراقی شدن حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده سخن به میان آورد، زیرا در خصوص حقوق ویژه‌ی این دسته هیچگونه سیاست شفافی اتخاذ نگردیده است. بعنوان مثال می‌توان به مقررات مواد ۸۱ و ۸۲ این قانون اشاره نمود که شرایط بکارگیری سازش کیفری و میانجی‌گری را برای همه بزه‌دیدگان، بدون دسته‌بندی و جداسازی، بصورت یکسان پیش‌بینی نموده است. بدین-

ترتیب برغم اینکه سیاست‌گذاران جنایی ایران تدابیر حمایتی مهمی از بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده‌اند، اما تا مطلوب شدن وضعیت حقوق این دسته از بزه‌دیدگان فاصله زیادی وجود دارد.

بنابراین شایسته است در اصلاحات بعدی قانون آئین دادرسی کیفری و همچنین تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، سیاست‌های متناسب به‌منظور ویژه شدن حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده اتخاذ گردد.

یادداشت‌ها

۱. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۹ هیئت وزیران به تصویب رسیده است و در حال حاضر در کمیته قضائی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی می‌باشد.

۲. حقوق دفاعی اصلاحی عام بوده که همزمان شامل حقوق دفاعی متهم و حقوق دفاعی بزه دیده می‌گردد.

۳. هریک از رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد ۵۹۹ و ۶۰۳ در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام ننمایند علاوه بر حبس از شش‌ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۴. هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیر قابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هرچند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد اما اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.

۵. سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محمیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

۶. گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

۷. مطابق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

۸. جای‌گزین‌های ترمیمی به موجب ماده ۱-۴۱ قانون آئین دادرسی فرانسه پنج مورد است که عبارتند از تذکر قانونی، هدایت مرتکب به سوی یک مرکز درمانی، اجتماعی یا حرفه‌ای، پایان بخشیدن به وضعیت تعارض با قانون و آئین نامه، تقاضا از شخص مبنی بر جبران خسارت بزه دیده و توسل به میانجی‌گری با رضایت طرفین ر.ک. آشوری ۱۳۸۲، ص ۱۳۳.

۹. ماده ۲۰ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه دیده و شهود ۲۰۰۴

۱۰. گفتنی است که امکان تعیین وکیل تسخیری برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است (تبصره ۲ ماده ۱۹۰) و در مرحله رسیدگی هم برای متهم و هم برای بزه دیده فاقد تمکن مالی (ماده ۳۴۷ و بصره آن) پیش بینی شده است.

11. A support person

۱۲. در ماده ۳۵ اصول راهبردی ۲۰۰۴ یکی از تمهیدات و تدابیر برای جلوگیری از تهدید، تلافی جویی و ورود صدمه را در بند ۳ دستور توقیف متهم قبل از محاکمه و در بند ۴ نگهداری متهم در بازداشتگاه دانسته است.

۱۳. ماده ۲۷ رهنمودهای راجع به عدالت در مورد کودکان بزه دیده و گواهان جرم ۲۰۰۵

منابع

۱. معماری، رزا؛ (۱۳۸۵)؛ حمایت از اطفال بزه دیده خشونت خانگی در سیاست جنایی قضایی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۴)؛ بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان.
۳. شاملو احمدی، محمد حسین، (۱۳۸۳)؛ دادرسی تحقیقات مقدماتی، نشر دادیار، چاپ دوم.
۴. نیازپور، امیر حسن، (۱۳۸۸)؛ تعامل آیین دادرسی کیفری کودکان و جرم شناسی بالینی: با تأکید بر لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، فصل نامه خانواده، شماره ۱۸/۱، دوره پنجم، تابستان.
۵. ساقیان، محمدمهدی، (۱۳۹۱)؛ «پیشگیری از تکرار جرم از گذر جانشینه‌های تعقیب کیفری»، در: رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، جلد اول، محمد باقر ذوالقدر و دیگران، (صاحب اثر: معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۵۳۶-۵۱۹.
۶. شریف رازی، ژینوس، (۱۳۸۷)؛ حمایت از اطفال بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۷. عظیم زاده، شادی، (۱۳۸۴)؛ پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان.
۸. زینالی، امیرحمزه، (۱۳۸۵)؛ گزارش سمینار دادرسی ویژه با همکاری معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه و یونیسف، ارومیه، ۲۱ خرداد.
۹. حسامی، سمیه، (۱۳۸۴)؛ حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانگی در تحقیقات پلیسی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان.